

بررسی فقهی به کارگیری سلاح شیمیایی توسط حکومت اسلامی در جنگ

امین کوخانی^۱

چکیده

بررسی فقهی نحوه‌ی مواجهه با رزمندگان دشمن و غیرنظامیان در شرایط جنگی، همواره تعیین‌کننده تکلیف حکومت‌های اسلامی و رزمندگان بوده است. بی‌تردید به کارگیری سلاح شیمیایی علیه افراد بی‌گناه، حرام است؛ لکن در مواردی که ضرورتی برای به کارگیری چنین سلاحی وجود داشته باشد، حکم استفاده از آن تغییر می‌کند. این جستار در قالب یک تحقیق کتابخانه‌ای با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی فقهی حکم به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در شرایط گوناگون پرداخته و به این نتیجه رسیده که استفاده از چنین سلاحی در صورتی که تنها منجر به کشته شدن انسان‌های مهدورالدم شود، جایز است؛ ولی اگر انسان‌های بی‌گناه زیادی را هلاک کند و ضرورتی برای به کارگیری آن نباشد، حرام است. چنانچه استفاده کردن یا نکردن از چنین سلاحی، مصالح و مفاسد ملزمه‌ای را توأمان در پی داشته باشد، به موردی که مصلحت بیشتر یا مفسده کمتری دارد، عمل می‌شود. واژگان کلیدی: سلاح شیمیایی، سلاح کشتار جمعی، احکام جهاد، حقوق جنگ.

۱. طلبه پایه دهم، مدرسه شهیدین علیه السلام قم.



۱. مقدمه

تزامم منافع به عنوان یکی از ویژگی های جداناپذیر عالم ماده، عامل شکل گیری جنگ های گوناگون در طول تاریخ بوده است. همواره برخورداری از تسلیحات نظامی برتر، یکی از عوامل اصلی تعیین کننده و پیروزی بخش در میدان نبرد قلمداد شده است. با گذر زمان و با پیشرفت علم و فناوری، سلاح های جدید و پیشرفته ای در عرصه های نبرد به کار گرفته شد. سلاح های شیمیایی از جمله سلاح های نوپدیدی بود که در ابتدای قرن بیستم میلادی، برای نخستین در جنگ جهانی اول به کار گرفته شد و توازن قدرت و نبرد را در میدان تغییر داد. سال ها بعد در جنگ میان ایران و عراق، ارتش عراق از این گونه سلاح ها برای سرکوب رزمندگان ایرانی استفاده کرد و تعداد زیادی از رزمندگان اسلام را شهید یا جانباز کرد. در طول تاریخ همواره اندیشمندان پیرامون بایدها و نبایدهای میدان نبرد سخن رانده اند و مسئولیت های اخلاقی و حقوقی طرفین جنگ را مشخص کرده اند. برخی از آن چه امروزه در قوانین بین المللی پیرامون بایدها و نبایدهای میدان نبرد مورد تاکید قرار گرفته، از دیرباز توسط دین مبین اسلام ذیل احکام جهاد تبیین شده است. یکی از خطوط قرمز میدان های نبرد از دیدگاه قوانین بین المللی، به کارگیری سلاح های کشتار جمعی از جمله سلاح های شیمیایی است. با توجه به افزایش به کارگیری دشمنان اسلام و مسلمانان از سلاح های کشتار جمعی خصوصاً سلاح های شیمیایی در جنگ های اخیر، بررسی حکم به کارگیری سلاح های شیمیایی به منظور مقابله با دشمن از جوانب گوناگون ضروری می نمود. مراد از «سلاح شیمیایی» سلاح های نوپدیدی است که با استفاده از مواد شیمیایی انسان ها و دیگر جانداران را تحت تأثیر مخرب قرار می دهد و آن ها را به انواع بیماری های عمومی و انحصاری آن ماده شیمیایی مبتلا می سازد. سلاح های شیمیایی مدرن با انتشار عوامل شیمیایی تاول مثل گاز «خردل» یا عوامل شیمیایی خون مثل «هیدروژن سیانید» یا عوامل شیمیایی عصبی مثل «سارین» یا عوامل شیمیایی تنفسی مثل «کلر»، منجر به مرگ انسان ها یا بروز ضایعات قابل توجه ای در ساختار اندامی آن ها می شوند.

درباره این موضوع، پیشتر پژوهش هایی انجام شده است از جمله:

۱. مقاله «ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی»، ایزدهی، سجاد؛

۲. مقاله «سلاح کشتار جمعی از دیدگاه اسلام»، حسینی، سید ابراهیم؛



۳. مقاله «کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام»، آقاجانپور، فاطمه؛
۴. مقاله «واکاوی فقهی ادله حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی»، میثمی تهرانی، علی.

اهمیت این موضوع و کلی بودن و کامل نبودن پژوهش‌های انجام شده پیشین، نگارنده را بر آن داشت تا با ضیق کردن موضوع تحقیق و بررسی حکم فقهی یک قسم از سلاح‌های کشتار جمعی در وضعیت‌های گوناگون جنگی، پژوهش دقیق‌تری به روش توصیفی - تحلیلی، درباره حکم شرعی به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط حکومت اسلامی در جنگ انجام دهد.

بی تردید به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه افراد بی گناه و نفوس محترمه، از دیدگاه اسلام حرام است؛ لکن در مواردی که راه غلبه بر دشمن منحصر در استفاده از سلاح‌های شیمیایی است یا به منظور ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از دشمن برای تخریب و کشتار بیشتر، حکم استفاده از این گونه سلاح‌ها می‌تواند تغییر کند؛ از این رو در این جستار برآنیم تا با بررسی فقهی به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط حکومت اسلامی در شرایط گوناگون جنگی، حکم شرعی این مسأله را تبیین و به سؤال زیر به عنوان سؤال اصلی این تحقیق، پاسخ دقیق‌تر و جامع‌تری بدهیم؛ به لحاظ فقهی به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط حکومت اسلامی در جنگ چه حکمی دارد؟

پس از بررسی مفاهیم اساسی این جستار، به منظور بررسی حکم فقهی مسأله مذکور، ابتدا اقوال فقهاء و ادله آنها را پیرامون این مسأله را تبیین کردیم و سرآخر به جمع‌بندی و ارائه نظر مختار پرداختیم.

۲. مفاهیم اساسی

۲-۱. سلاح شیمیایی در اصطلاح حقوق بین‌الملل به هر ماده‌ای گفته می‌شود که از طریق مواد شیمیایی خود، قادر به کشتن، آسیب زدن یا بی‌حس کردن انسان‌ها یا سایر موجودات زنده باشد و شامل عوامل سمی، سموم و پیش‌سازهای مرتبط می‌شود که به منظور استفاده نظامی، تولید، ذخیره یا به کار گرفته شوند.^۱



۲-۲. حکومت اسلامی در اصطلاح فقه، به حکومتی گفته می‌شود که بر اساس احکام الهی حکومت می‌کند و حاکم آن دارای علم به احکام شرعی و عدالت است. (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۶۲۳)

با توجه به نوپدید بودن سلاح‌های شیمیایی مدرن، به حکم شرعی به کارگیری این‌گونه سلاح‌ها در آیات و روایات به طور مستقیم اشاره نشده است؛ لکن با توجه به استفاده از سم در جنگ‌های عصر معصومان علیهم‌السلام به عنوان یک سلاح شیمیایی، می‌توان با بررسی شرایط الغای خصوصیت از سم، به حکم شرعی به کارگیری سلاح‌های شیمیایی مدرن دست یافت.

۳. اقوال فقهاء درباره حکم استفاده از سم در جنگ

فقهاء در این مسأله، سه نظر دارند:

۳-۱. قائلان به حرمت مطلقا

از آن‌چه در کلام آقاضیاء عراقی (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۴) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۶۷ و ۶۸) بدان تصریح شده و از اطلاق کلام ابن ادریس حلی در السرائر (حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۷) و شیخ طوسی در النهایه (طوسی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۹۳) و ابن زهره (حلبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۰۱) در الغنیه و شهید اول در الدروس (عاملی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۲) استنباط می‌شود که استفاده از سم در جنگ مطلقا (حتی در صورت توقف پیروزی بر آن) حرام است.

۳-۲. قائلان به جواز مطلقا

شیخ طوسی در المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱) و علامه حلی در المختلف (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۹۱) و فاضل مقداد در التقیح الرائع (السیوری، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۵۸۱) و شهید ثانی در مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۲۵) و شهید اول در لمعه (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۸۲) و علامه حلی در تحریر الاحکام (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۱۳۵) و در تذکره الفقهاء (حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۴۱۲) و ابن فهد حلی در المقتصر (حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۶۰) و سید علی طباطبایی در ریاض المسائل (حائری، ۱۴۱۸ ق، ج ۸، ص ۷۲) به صورت مطلق (ولو با وجود راه‌هایی دیگری برای پیروزی در جنگ) قائل به جواز استفاده از سم در جنگ شده‌اند.

۳-۳. قائلان به تفصیل حکم در مسأله

برخی از فقهاء مانند محقق خوئی، (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۷۳) محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۸۵) و محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۳) به کارگیری سم در جنگ در صورتی که پیروزی در جنگ متوقف بر آن باشد را جایز دانسته‌اند.

۴. اصل اولی در مسأله

پیش از بررسی ادله فقهاء در این مسأله، بررسی مقتضای اصل اولی در این مسأله ضروری است. در فرآیند فقاها و مسیر اجتهاد، گام نخست تعیین اصل اولی است تا در صورت عدم دستیابی به ادله مرتبط با مسأله، مجتهد بتواند با رجوع به اصل اولیه، حکم مسأله را معین نماید. در صورت وجود عمومات فوقانی، اصل اولی با مراجعه به آن‌ها تعیین می‌شود و در صورت نبود عمومات فوقانی و ادله اجتهادی، اصل اولی با توجه به اصول عملیه تعیین می‌شود.

با پیش فرض نبود عمومات فوقانی در این مسأله، با توجه به اهتمام شارع مقدس به حفظ خون بی‌گناهان، مقتضای اصل اولی (عملی)، احتیاط است؛ در نتیجه به کارگیری سلاح شیمیایی توسط حکومت اسلامی در جنگ، احتیاطا باید ترک شود؛ زیرا به کارگیری چنین سلاح‌هایی در جنگ می‌تواند منجر به آسیب به انسان‌های بی‌گناه و دیگر جانداران و محیط زیست شود. با توجه به عموماتی هم که در ادامه مطرح می‌شود، مقتضای اصل اولی (لفظی)، حرمت به کارگیری سلاح‌هایی است که غالبا موجب آسیب رسیدن به انسان‌های بی‌گناه و محیط زیست و دیگر جانداران می‌شود. از آنجاکه استفاده از سم به عنوان سلاح در جنگ و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی مدرن غالبا پیامدهای مذکور را دارند، مقتضای اصل اولی، حرمت استفاده از آن‌ها در جنگ است.

• ادله قرآنی

﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾.^۱ (بقره، ۲۰۵)

۱. هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.





﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۱ (مائده، ۳۲)

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾^۲ (انعام، ۱۵۱)

در آیه شریفه ۱۵۱ سوره انعام، به این حقیقت اشاره شده که از نظر خداوند، جان آدمی حرمت دارد و نباید این حرمت خدشه دار شود. در آیه ۹۳ سوره نساء، کشتن عمدی مؤمن را موجب کیفرهای سختی چون خلود در آتش جهنم، مورد غضب خداوند واقع شدن و دوری از رحمت الهی معرفی کرده است. اصل اساسی در مورد خون و جان آدمیان، حرمت و وجوب صیانت از آن است و انسان - به طور مطلق - خلیفه خدا در زمین است که خون و آبرو و مالش برای دیگران محترم است و تعدی بر هیچ یک از موارد مزبور جایز نیست مگر با دلیل و برهان. به همین خاطر خداوند سبحان در داستان پیامبرش موسی، می فرماید:

﴿أَقْتُلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا﴾^۳ (کهف، ۷۴)

با توجه به محتوای آیات یادشده، مقتضای اصل اولی، حرمت استفاده از سم به عنوان سلاح و به کارگیری سلاح های شیمیایی مدرن در جنگ است؛ زیرا به کارگیری چنین سلاح هایی غالباً به تباهی زراعت و نسل جانداران و مرگ انسان های بی گناه می انجامد.

• دلیل عقلی

عقل، به قبح هرگونه ظلم و بی عدالتی و فساد حکم می کند. (علیدوست، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲)

۵. ادله فقهاء پیرامون مسأله

ادله فقهاء در این مسأله، عبارت اند از:

۵-۱. دلیل قائلان به حرمت مطلقاً

تنها دلیلی که قائلان به حرمت مطلقاً (چه پیروزی در جنگ متوقف بر استفاده از سم باشد

۱. به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هرکس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آن که فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان ها را کشته، و هرکس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان ها را زنده داشته است.

۲. و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید.

۳. آیا انسان پاکی را کشتی بدون آن که او کسی را کشته باشد، کار بدی کردی.

چه نباشد) بدان استناد کرده‌اند، روایت سکونی است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام تَهَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ».^۱ (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۶۲)

ضیاء الدین عراقی معتقد است، ضعف سند این روایت با عمل مشهور فقهاء به آن جبران شده است و اطلاق این روایت شامل صورتی که پیروزی در جنگ متوقف بر استفاده از سم باشد نیز می‌شود (عراقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۴۰۴)

صاحب جواهر نیز روایات سکونی را مقبول می‌داند و به اجماع منقولی که حاکی از جواز عمل به روایات اوست، اشاره می‌کند. ایشان به علت اطلاق روایت مذکور نسبت به جواز به‌کارگیری سم در مناطق مسکونی در صورتی که حتی پیروزی در جنگ متوقف بر آن باشد، توقف کرده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۶۷)

۱-۱-۵. بررسی سندی روایت سکونی

یکی از رجال این سند که به او اشکال شده است، «إسماعیل بن أبي زياد السكوني» نام دارد. علامه حلی او را عامی دانسته (حلی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۱۶) و شیخ طوسی او را دارای کتاب کبیر و کتاب النوادر معرفی کرده است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰) ایشان در کتاب رجالش نیز تنها به کوفی بودن او اشاره کرده است. (طوسی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۱۴۷) نجاشی نیز به کتاب او اشاره کرده (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۶) لکن در رجال کشی هیچ توصیفی از او به‌میان نیامده است.

گرچه در کتب رجالی توثیق خاصی برای او یافت نمی‌شود؛ لکن آیت الله خوئی (خویی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۳۷۲) و آیت الله شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۳ و ۳۳۴) با استناد به کلام شیخ طوسی در عده الاصول^۲ مبنی بر ادعای اجماع نسبت به عمل به روایات سکونی او را موثق و معتبر دانسته‌اند و آیت الله خویی علی‌رغم این‌که ایشان در عمل به اخبار سخت‌گیری ویژه‌ای دارند، از این روایت به «معتبره سکونی» تعبیر

۱. ترجمه: رسول خدا صلى الله عليه وآله از مسموم کردن شهرهای مشرکان، نهی فرمود.

۲. ن. ک: العدة في أصول الفقه ج ۱، ص ۵۶.





کرده‌اند و طبق آن فتوا داده‌اند. (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۷۳) صاحب جواهر نیز روایات سکونی را مقبول دانسته و به اجماع منقولی که حاکی از جواز عمل به روایات اوست، اشاره کرده است. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۶۷ و ۶۸)

درباره یکی دیگر از رجال سند این حدیث به نام «الحسین بن یزید النوفلی»، اطلاعات دقیق و محکمی مبنی بر توثیق یا تضعیف در دسترس نیست. نجاشی درباره او می‌گوید:

«او شاعری ادیب و ساکن شهرری بود و در آنجا فوت کرد و عده‌ای از قمی‌ها می‌گویند او در آخر عمرش دچار غلو شد و خدا دانایتر است و ما روایتی از او که دال بر این مطلب باشد، ندیدیم. او دارای کتاب التقیه است». (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۸)

شیخ طوسی نیز تنها او را صاحب کتاب معرفی می‌کند و اشاره‌ای به توثیق یا تضعیف او نمی‌کند. (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۲)

مرحوم مامقانی با ذکر اوصافی از جمله کثیر الروایه، سدید الروایه، مقبول الروایه درباره «نوفلی» تضعیف او را بدون وجه می‌داند. (مامقانی، ۱۴۳۱ ق، ج ۲۳، ص ۱۵۵)

طبق دیدگاه آیت الله شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۳ و ۳۳۴) از آنجاییکه غالب روایات سکونی نیز از طریق نوفلی نقل شده و به تصریح نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۶) نوفلی، کتاب او را روایت کرده، پس از طریق عمل اصحاب به روایات سکونی، معتمد بودن نوفلی نیز ثابت می‌شود.

با توجه به مطالبی که گذشت روایت مذکور معتبر است و می‌توان برای حرمت استفاده از سم به عنوان سلاح در جنگ، بدان استناد کرد.

۵-۱-۲. بررسی دلالت روایت سکونی

علامه حلی در مختلف الشیعه در دلالت روایت سکونی بر حرمت به‌کارگیری سم در جنگ، خدشه می‌کند و معتقد است: صیغه نهی همان‌طور که برای حرمت به‌کار می‌رود، برای کراهت هم به‌کار می‌رود و در این روایت قرینه‌ای برای هیچ‌یک از آن دو وجود ندارد؛ در نتیجه نهی را بر قدر جامع میان حرمت و کراهت حمل می‌کند.



او سپس برای اثبات جواز این امر، به روایت حفص بن غیاث^۱ (فرستادن آب و آتش زدن) استناد می‌کند و معتقد است سم، مشابه موارد مذکور در آن روایت است و در حکم جواز با آن‌ها مشترک است. (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۹۱ و ۳۹۲) صاحب جواهر معتقد است نهی در روایت مذکور، ظهور دارد در حرمت به کارگیری سم در مناطق مسکونی که غالباً مرگ کودکان و زنان و کهن سالان و نفوس محترمه را در پی دارد، اما شامل صورتی که تنها به مرگ افراد مستحق قتل می‌انجامد، نمی‌شود.

ایشان به علت اطلاق روایت مذکور، نسبت به جواز به کارگیری سم در مناطق مسکونی در صورتی که پیروزی در جنگ متوقف بر آن باشد، توقف کرده‌اند و جواز به کارگیری سم در مناطق مسکونی را در صورتی که به قتل نفوس محترمه بیانجامد و پیروزی متوقف بر آن نباشد، مردود دانسته است. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۶۷ و ۶۸)

با توجه به قواعد اصولی، نهی در روایات اگر قرینه‌ای بر خلاف نباشد، ظهور در حرمت دارد؛ از این رو استظهار مرحوم علامه حلی مقبول نیست. در روایت سکونی گرچه نهی به استفاده از سم در مناطق مسکونی دشمن تعلق گرفته، لکن شامل مصادیق نوظهور سلاح‌های سمی که همان سلاح‌های شیمیایی مدرن است نیز می‌شود. تبعات مخرب و کشنده سلاح‌های شیمیایی مدرن به مراتب از تبعات مخرب و کشنده سلاح‌های سمی قدیمی بیشتر است و تهدید شدیدتری برای جان افراد بی‌گناه و محیط زیست محسوب می‌شود از این رو با توجه به روایت سکونی، می‌توان از سم الغای خصوصیت کرد و به طریق اولویت، حرمت شدیدتری برای استفاده از سلاح‌های شیمیایی مدرن متصور شد.

۲-۵. دلیل قائلان به جواز

تنها دلیل مورد استناد قائلان به جواز روایت حفص بن غیاث است:

«حفص بن غیاث می‌گوید از حضرت صادق علیه السلام درباره شهری از

۱. «ما رواه محمد بن یعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن حفص بن غياث قال سألت أبا عبد الله ع عن مدينة من مدائن الحرب هل يجوز أن يرسل عليها الماء أو تحرق بالنار أو ترمى بالمنجنيق حتى يقتلوا ومنهم النساء والصبيان والشيخ الكبير والأسارى من المسلمين والتجار فقال يفعل ذلك بهم ولا يمسك عنهم هؤلاء ولا دية عليهم للمسلمين ولا كفارة». (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۶۳).



شهرهای درگیر در جنگ (دشمن) پرسیدم که آیا جایز است بر آن آب بسته شود یا با آتش سوزانده شود یا با منجنیق به آن شلیک کرد تا آن‌ها کشته شوند، درحالی‌که زنان و کودکان و کهن‌سالان و اسیران مسلمان و تاجران در آنجا حضور دارند؟ حضرت فرمودند: این کار را نسبت به آن‌ها انجام دهید و به‌خاطر آن افراد از آن کار پرهیز نکنید و بر مسلمانان نسبت به آن‌ها دیه و کفاره‌ای لازم نیست».^۱ (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۶۳)

۵-۲-۱. بررسی دلالتی روایت حفص بن غیاث

علامه حلی معتقد است حکم به‌کارگیری از سم در مناطق مسکونی دشمن با حکم آب بستن و سوزاندن مناطق مسکونی دشمن مشترک است؛ ازاین‌رو با استناد به این روایت قائل به جواز استفاده از سم به‌عنوان سلاح در جنگ شده است، (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۹۱ و ۳۹۲) لکن اشتراک در حکم با توجه به اختلاف موضوعات، قابل مناقشه است. یکی از تفاوت‌هایی که میان به‌کارگیری از سم و به‌کارگیری از آب و آتش وجود دارد، نامحسوس بودن است. استفاده از آب و آتش با توجه به محسوس و در معرض دید بودنشان، فرصت فرار و نجات را برای بی‌گناهان فراهم می‌کند، لکن استفاده از سم با توجه به نامحسوس و نامرئی بودن چنین فرصتی را برای بی‌گناهان ایجاد نمی‌کند، ازاین‌رو با اصول اخلاقی اسلام در جنگ مبنی بر حفظ جان کودکان، زنان و کهن‌سالان بی‌گناه، سازگاری ندارد.

۵-۲-۲. بررسی سندی روایت حفص بن غیاث

درباره یکی از رجال سند این حدیث به نام «القاسم بن محمد الإصفهانی»، توثیق خاص و اطلاعات چندانی در کتب رجالی اربعه وجود ندارد و توثیق عامی نیز نسبت به او ثابت نیست؛ ازاین‌رو چنین روایتی ضعیف قلمداد می‌شود و توان معارضه با مقتضای اصل اولی در مسأله (حرمت) و با روایت سکونی را ندارد؛ درنتیجه قول به جواز، مردود است.

۱. ما رواه محمد بن یعقوب عن علی بن إبراهیم عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن حفص بن غياث قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن مدائن الحرب هل يجوز أن يرسل عليها الماء أو تحرق بالنار أو ترمى بالمنجنيق حتى يقتلوا ومنهم النساء الصبيان والشيوخ الكبر والأسارى من المسلمين والتجار فقال يفعل ذلك بهم ولا يمسه عنهم هؤلاء ولا دية عليهم للمسلمين ولا كفارة.

۳-۵. ادله قائلان به تفصیل حکم در مسأله

آیت الله خوئی با استناد به روایت سکونی، انتشار سم در سرزمین مشرکان را جایز نمی‌داند؛ لکن در صورتی که مصلحت کلانی مثل پیروزی در جنگ با مشرکان متوقف بر انتشار سم در میان آن‌ها باشد، به کارگیری از سم از دیدگاه ایشان جایز است. (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۷۳) محقق حلی نیز بدون اشاره به دلیل خاصی، به کارگیری سم در صورتی که پیروزی در جنگ متوقف بر آن باشد را جایز دانسته است. (حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۳) از مفهوم کلام^۱ محقق کرکی برداشت می‌شود که به کارگیری سم در صورتی که پیروزی در جنگ متوقف بر آن باشد، جایز است. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۸۵)

۶. جمع بندی و ارائه نظر مختار

استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی یا غیرمسکونی دشمن، در صورتی که تنها منجر به کشته شدن انسان‌های مهدورالدم شود و آسیب جدی به محیط زیست نرساند، محظور عقلی و شرعی ندارد؛ از این رو جایز است.

- اگر پیروزی در جنگ متوقف بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی دشمن نباشد، استفاده از چنین سلاح‌هایی در صورتی که منجر به کشته شدن انسان‌های بی‌گناه شود و آسیب جدی به محیط زیست برساند، به حکم عقل و شرع قطعاً حرام است.

- اگر پیروزی در جنگ متوقف بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی دشمن باشد، استفاده از چنین سلاح‌هایی در صورتی که منجر به کشته شدن انسان‌های بی‌گناه شود و آسیب جدی به محیط زیست برساند، با توجه به اطلاق روایت سکونی جایز نیست، از طرف دیگر حفظ جان مسلمانان و رزمندگان اسلام واجب است و در صورتی که پیروز نشدن در جنگ، جان مسلمانان را تهدید کند، این مسأله یکی از مصادیق باب تزاحم می‌شود و با توجه به مصداق تزاحم، اهم الماکین بررسی می‌شود و به موردی عمل می‌شود که اهمیت و مصلحت بیشتری دارد؛ برای نمونه اگر استفاده نکردن از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی

۱. (وإلقاء السم على رأي). يجرم إن أمكن الفتح بدون.





دشمن، منجر به شکست سپاه اسلام شود و به تبع آن ده تن از رزمندگان به شهادت برسند و استفاده کردن از سلاح‌های شیمیایی جان این ده نفر را نجات دهد؛ ولی صدهزار زن و کودک را در مناطق مسکونی دشمن به کشتن دهد، در این صورت استفاده نکردن از سلاح‌های شیمیایی، ملاک مهم‌تر و قوی‌تری دارد؛ در نتیجه استفاده کردن از چنین سلاح‌هایی در چنین شرایطی جایز نیست، لکن اگر استفاده نکردن از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی دشمن، منجر به شکست سپاه اسلام و در خطر قرار گرفتن کیان جامعه اسلامی و در خطر افتادن جان میلیون‌ها مسلمان شود، در این صورت استفاده کردن از سلاح‌های شیمیایی ولو به کشته شدن تعداد زیادی زن و کودک کافر بیانجامد، جایز است چراکه ملاک مهم‌تر و قوی‌تری دارد.

۷. نتیجه‌گیری

در شرایط جنگی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط حکومت اسلامی در مناطق مسکونی یا غیرمسکونی دشمن در صورتی که منجر به کشته شدن انسان‌های مهدورالدم شود و آسیب جدی به محیط زیست نرساند، جایز است. در صورتی که پیروزی در جنگ، متوقف بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی دشمن نباشد، استفاده از چنین سلاح‌هایی در صورتی که منجر به کشته شدن زنان و کودکان و کهن سالان شود، حرام است. اگر پیروزی در جنگ متوقف بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناطق مسکونی دشمن باشد و استفاده نکردن از چنین سلاح‌هایی منجر به کشته شدن عده‌ای از مسلمانان شود و استفاده از چنین سلاح‌هایی نیز به کشته شدن زنان، کودکان و کهن سالان منجر شود، تراحم شکل می‌گیرد و با توجه به مورد تراحم، اهم الماکین بررسی و کشف و به موردی که اهمیت و مصلحت بیشتری دارد، عمل می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالادلة* (ط - الحديثه) (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲. حلبی، ابن زهره (۱۴۱۷ ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع* (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳. حلّی، ابن ادريس (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. حلّی، جمال الدین (۱۴۱۰ ق). *المقتصر من شرح المختصر* (چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة* (ط - الحديثه) (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶. _____ (۱۴۱۷ ق). *خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال* (چاپ دوم). بی جا: نشر الفقاهة.
۷. _____ (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء* (ط - الحديثه) (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۸. _____ (۱۴۱۳ ق). *مختلف الشيعة فی أحكام الشریعة* (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۴۲۱ ق). *کتاب البیع* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین* (چاپ اول). قم: مدینه العلم.
۱۲. _____ (۱۴۱۸ ق). *موسوعة الإمام الخوئی* (چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۳. السیوری الحلّی، جمال الدین مقداد (۱۴۰۴ ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع* (چاپ اول). قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي.
۱۴. شبیری زنجانی، موسی (۱۳۸۲). *کتاب نکاح* (چاپ اول). قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (بی جا). قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.





۱۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (بی تا). *الفهرست* (چاپ اول). نجف: مكتبة المرتضوية.
۱۷. _____ (۱۴۱۷ ق). *العدة في أصول الفقه* (چاپ اول). قم: بی نا.
۱۸. _____ (۱۴۰۰). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى* (چاپ سوم). بیروت: دار الكتاب العربي.
۱۹. _____ (۱۴۲۷ ق). *رجال الشيخ الطوسي* (چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. _____ (۱۳۸۷). *المبسوط في فقه الامامية* (چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية.
۲۱. عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲۲. عاملی، شهید اول (۱۴۱۷ ق). *الدروس الشرعية في فقه الإمامية* (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. _____ (۱۴۱۰ ق). *اللمعة الدمشقية* (بی جا). بیروت: دارالتراث.
۲۴. عراقی، شیخ ضیاء الدین (۱۴۱۴ ق). *شرح تبصرة المتعلمين* (چاپ اول). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۵. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۷). *فقه هسته ای* (چاپ اول). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ ق). *تنقيح المقال في علم الرجال* (بی جا). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
۲۷. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد في شرح القواعد* (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
۲۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ ق). *رجال النجاشي - فهرست أسماء مصنفی الشيعة* (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام* (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۰. پایگاه اطلاع رسانی www.opcw.org.